

معاونت در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی دولت در طرح مسئولیت بین‌المللی دولت ۲۰۰۱

مهدی حدادی*

چکیده

در نظام بین‌المللی در مواردی دولت‌ها بدون کمک سایر دولت‌ها قادر به نقض تعهدات بین‌المللی خود نیستند. لذا در نقض یک تعهد بین‌المللی، با دولت مباشر و دولت معاون روبرو هستیم. از طرف دیگر، مبنای طرح مسئولیت بین‌المللی دولت ناشی از فعل متخلفانه بین‌المللی ۲۰۰۱ بر مسئولیت مستقل استوار است. سؤال این است که مسئولیت دولت معاون در این طرح بر چه مبنایی استوار است؟ در صورت احراز مسئولیت دولت معاون، وی به چه میزان در جبران خسارت زیان‌دیده سهم خواهد بود؟ پاسخ ما این است که به اعتقاد کمیسیون حقوق بین‌الملل، حقوق بین‌الملل معاصر قاعده عام معاونت را پذیرفته است. در ماده ۱۶ طرح، این قاعده اولیه از سوی کمیسیون با شرایطی در میان قواعد ثانویه تدوین شد. علی‌رغم تلاش ارزشمند کمیسیون حقوق بین‌الملل، از یک طرف شرط تعهدات بین‌المللی مشترک میان دولت معاون و دولت مباشر مانع از عمومیت قاعده شده و از سوی دیگر مسئله نتایج حقوقی این نوع مسئولیت و توزیع مسئولیت میان دولت مباشر و معاون در طرح و تفاسیر کمیسیون حقوق بین‌الملل مبهم باقی مانده است.

واژگان کلیدی: جبران خسارت، قاعده اولیه، قواعد مسئولیت بین‌المللی، مسئولیت اشتقاقی، معاونت

* استادیار گروه حقوق بین‌الملل و عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران، (پرديس فارابی) قم

مقدمه

حوزه مسئولیت بین‌المللی یکی از مهم‌ترین حوزه‌های حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. مسئولیت بین‌المللی را می‌توان ضمانت اجرا و پشتیبان نظام حقوق بین‌الملل دانست. قواعد مسئولیت بین‌المللی که از آن به قواعد ثانویه تعبیر می‌شود، مشخص می‌سازند که تابعان حقوق بین‌الملل چه فعال و چه منفعل در صورت تخلف و نقض تعهدات بین‌المللی با چه آثار و عواقبی روبرو خواهند شد.

کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه مسئولیت بین‌المللی، در ابتدا کار خود را با قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت ناشی از فعل متخلفانه بین‌المللی آغاز کرد و در نهایت در سال ۲۰۰۱، طرح خود را تحویل مجمع عمومی داد. همچنین کمیسیون با مبنای قرار دادن طرح ۲۰۰۱، کار بر روی مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی را هم شروع و در سال ۲۰۱۱ به پایان رسانید. با توجه به تقدم قواعد مسئولیت دولت و تشابه مواد دو طرح تمرکز کار را بر طرح ۲۰۰۱ قرار داده‌ایم.

رویکرد غالب حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض تعهد بین‌المللی یا مسئولیت ناشی از فعل متخلفانه بین‌المللی بر مفهوم «مسئولیت مستقل»^۱ استوار است. بر اساس اصل مسئولیت مستقل، دولت یا سازمان بین‌المللی بابت رفتار متخلفانه خود مسئولیت دارد، یعنی رفتاری که به آن متسبب است و تعهداتش را نقض می‌کند. اصل مسئولیت مستقل به طور جدی در مواد مسئولیت بین‌المللی تثبیت شده است. حتی در مواردی که فعل متخلفانه با همکاری چند دولت ارتکاب می‌یابد، مسئولیت بین‌المللی بر اساس اصل مسئولیت مستقل تعیین می‌شود. بر این اساس در طرح ۲۰۰۱، اصل مسئولیت مستقل مبنای کار کمیسیون حقوق بین‌الملل قرار گرفته است. در واقع، قواعد مسئولیت مندرج در این طرح پیرامون این نوع مسئولیت است. در عین حال در فصل چهارم از بخش اول این طرح، به مسئولیت دولت در رابطه با فعل متخلفانه دولت دیگر می‌پردازد که خود گروه از آن با عنوان

«مسئولیت اشتقاقی^۱» یاد می‌کند. مساعدت و کمک (ماده ۱۶)، هدایت و کنترل (ماده ۱۷) و اجبار (ماده ۱۸) مواد این فصل را تشکیل می‌دهند. در این میان، ماده ۱۶ که به کمک و مساعدت می‌پردازد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از یک سو، معاونت در طول تاریخ از موارد شایع رابطه یک دولت با فعل متخلفانه دولت دیگر بوده است. از سوی دیگر سؤالات و ابهاماتی در خصوص این ماده مطرح است که تفسیر کمیسیون حقوق بین‌الملل ذیل ماده ۱۶ پاسخ دقیق و روشنی به آن نمی‌دهد.

در این مقاله قصد داریم، قاعده معاونت مندرج در ماده ۱۶ را تحلیل کرده، ضمن بررسی شرایط مطرح در ماده ۱۶، به این سؤال پاسخ دهیم که مسئولیت دولت معاون از چه نوع است، مستقل یا تضامنی؟ در جبران خسارت وارده به زیان‌دیده، دولت معاون به چه میزان سهم خواهد بود؟ برای پاسخ به این سؤال‌ها بعد از بررسی معنا و مفهوم معاونت و سابقه موضوع در فعالیت‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل، ماده ۱۶ طرح را مورد تحلیل قرار داده و سپس به نتایج معاونت خواهیم پرداخت.

۱. معنا و مفهوم معاونت در حقوق بین‌الملل

در حالی که معاونت مفهومی کاملاً جاافتاده در حقوق کیفری داخلی است، اصطلاحی نسبتاً جدید در حقوق بین‌الملل است. از نظر حقوقدانان، مفهوم معاونت قبل از هر چیز یک مفهوم حقوق کیفری داخلی است. بر اساس آن، فردی که مباشر را در انجام جرم کمک می‌کند، مسئولیت کیفری خواهد داشت. به طور عام‌تر، این اصطلاح می‌تواند برای ارجاع به وضعیتی به کار رود که در آن شخصی در ارتکاب یک فعل متخلفانه با دیگری مشارکت می‌کند به نحوی که مستلزم درجه‌ای از مسئولیت باشد (Ceron, 2008: 526). به عنوان نمونه و در جهت درک مفهوم معاونت در حقوق کیفری داخلی می‌توان به قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ اشاره کرد. بر اساس ماده ۱۲۶: «اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند: الف. هرکس دیگری را ترغیب، تهدید،

تطمیع، یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم شود؛ ب. هرکس وسایل ارتکاب جرم را بسازد، یا تهیه کند، یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد؛ پ. هرکس وقوع جرم را تسهیل کند».

در نظام حقوق بین‌الملل، معاونت در دو حوزه مسئولیت بین‌المللی کیفری فرد و مسئولیت بین‌المللی دولت یا سازمان‌های بین‌المللی مطرح می‌شود. مفهوم معاونت در مسئولیت بین‌المللی کیفری فرد دقیقاً با مفهوم حقوق کیفری داخلی مطابقت دارد. از آن جا که معیارهای معاونت در نظام‌های حقوق داخلی متغیر است، دیوان‌های کیفری بین‌المللی با تلفیق این معیارها توانسته‌اند قواعد حقوق بین‌الملل کیفری را در این زمینه توسعه دهند. البته، این نوع معاونت به مسئولیت کیفری فرد به دلیل ارتکاب جرائم بین‌المللی ارتباط پیدا می‌کند و از شمول حوزه مسئولیت بین‌المللی دولت خارج است.

با این وجود شکل سنتی و اولیه مسئولیت در نظام حقوق بین‌الملل، مسئولیت بین‌المللی دولت است. آیا می‌توان از معاونت از سوی دولت‌ها صحبت کرد؟ از آنجا که در این حوزه نیز ممکن است از اصطلاح، معانی مختلفی استنباط شود، به منظور رسیدن به معنای مورد نظر ضروری است میان زمینه‌های مختلفی که در آن مفهوم معاونت به کار گرفته شده است، تمایز قائل شویم.

۱. زمینه‌ای که در آن ممکن است معاونت مورد بحث واقع شود، انتساب است. بر اساس مقررات طرح مسئولیت بین‌المللی دولت ناشی از فعل متخلفانه بین‌المللی ۲۰۰۱، «انتساب» یک عنصر مهم در تعیین فعل متخلفانه بین‌المللی است. دولت‌ها می‌توانند از طریق افراد، مرتکب فعل متخلفانه شوند. از این رو، در ماده ۸ به دستور یا کنترل انجام‌شده از سوی دولت‌ها نسبت به افراد یا گروهی از افراد می‌پردازد. از جمله می‌توان به کنترل و هدایت گروه‌های تروریستی در کشورهای منطقه غرب آسیا اشاره کرد (توکلی طیبی و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۴). در حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ جرج بوش اعلام کرد کسانی که به تروریست‌ها پناه دهند خودشان به عنوان تروریست معرفی خواهند شد. برخی این را به عنوان تلاشی برای استناد به معاونت طالبان در حملات و زمینه‌ای برای انتساب رفتار القاعده به دولت افغانستان تلقی کردند. همچنین شورای امنیت نیز بر

اساس قطعنامه ۱۳۶۸ ضمن محکوم کردن اعمال تروریستی در شهرهای آمریکا اعلام کرد که این اقدام تروریستی تهدیدی بر ضد صلح و امنیت بین‌المللی است. شاید مهم‌ترین نکته قطعنامه ۱۳۶۸ تأکید شورای امنیت بر شناسایی حق ذاتی دفاع مشروع فردی یا جمعی مطابق منشور ملل متحد است. به نظر می‌رسد شورای امنیت با درج چنین عبارتی در این قطعنامه، به طور ضمنی دیدگاه آمریکا (و بسیاری از کشورهای غربی) مبنی بر تلقی اعمال تروریستی به عنوان نوعی «حمله مسلحانه» یا «تجاوز نظامی» را مورد تأیید قرار داده است. لیکن با توجه مواد مربوط به انتساب عمل به دولت (مواد ۴ تا ۱۱) در طرح مسئولیت بین‌المللی دولت و نیز رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بوسنی (ICJ Report, 2007: para 418-420)، کمک و مساعدت مالی یا تجهیزاتی دولت‌ها به گروه‌ها و افراد از جمله گروه‌های تروریستی موجب انتساب عمل آن‌ها به دولت کمک‌کننده نمی‌شود. البته، دولت کمک‌کننده چون با ارائه این نوع کمک‌ها در امور داخلی کشورهای دیگر مداخله می‌کند و قاعده عدم دخالت در امور داخلی کشورها را نقض می‌کند، دارای مسئولیت بین‌المللی مستقیم است.

۲. زمینه دیگری که در آن اصطلاح معاونت می‌تواند به کار رود در حوزه مسئولیت اشتقاقی دولت است؛ یعنی جایی که یک دولت به دولت دیگر در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی کمک و مساعدت می‌کند. از نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل این کمک به مسئولیت اشتقاقی دولت کمک‌کننده منجر می‌شود (ILCYbk, 2001: 65). ممکن است این نوع معاونت تا حدودی با انتساب قیاس شود، اما به طور تحلیلی از یکدیگر متمایز هستند (Ceron, 2008: 527). قواعد انتساب، به انتساب رفتار به یک تابع حقوق بین‌الملل (در این زمینه دولت) مربوط می‌شوند و از مسئله مسئولیت متمایز هستند. قواعد مسئولیت اشتقاقی بر روابط میان مباشر و معاون (دولت کمک‌کننده) متمرکز می‌شوند. لذا، مسئولیت اشتقاقی عموماً بر فعل متخلفانه بین‌المللی (و مسئولیت) دولت مباشر مبتنی است. در اینجا مسئله انتساب رفتار مأموران یک دولت به دولت دیگر مطرح نیست. همچنین معاونت در حوزه مسئولیت بین‌المللی دولت به کمک و مساعدت یک دولت به دولت دیگر یا سازمان‌های بین‌المللی اطلاق می‌شود.

۳. زمینه دیگری که در آن مفهوم معاونت به کار گرفته شده است، در خصوص قصور در انجام تعهد مثبت مندرج در بند ۲ ماده ۴۱ طرح مسئولیت دولت ۲۰۰۱ است، یعنی جایی که یک دولت وظیفه دارد از ارائه کمک و مساعدت به حفظ وضعیت ناشی از یک نقض خطیر تعهد ناشی از قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام خودداری کند. این نوع معاونت نیز از معاونت ماده ۱۶ در زمینه مسئولیت اشتقاقی متمایز است. این ماده از کمک و مساعدت پس از ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی صحبت می‌کند، یعنی کمک و مساعدت به حفظ وضعیت آثار ناشی از نقض، فارغ از اینکه چنان نقضی مستمر باشد یا این‌گونه نباشد (ILC Ybk, 2001:115).

در این تحقیق، کاربرد اصطلاح معاونت در حوزه مسئولیت بین‌المللی دولت مدنظر بوده و در این حوزه نیز کاربرد آن در زمینه مسئولیت اشتقاقی را مورد توجه قرا داده‌ایم، زیرا در آثار و نوشته‌های حقوق‌دانان بین‌المللی این معنا و کاربرد از معاونت مد نظر است. کرافورد گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه مسئولیت بین‌المللی دولت نیز به موضوع اشاره کرده است. وی بیان می‌دارد که ماده ۱۶ تلاش می‌کند معاونت^۱ را قاعده‌مند سازد و معاونت نیز اغلب با این واژه مورد اشاره قرار می‌گیرد؛ اگرچه به منظور جلوگیری از قیاس با حقوق کیفری داخلی در عنوان ماده، این واژه آورده نشده است (Crawford, 2013: 399). از آنجا که برای اولین بار است که تلاش می‌شود در خصوص مسئولیت دولت قاعده معاونت تدوین شود، کمیسیون حقوق بین‌الملل از ارجاع یا قیاس به معاونت در حقوق داخلی اجتناب کرده است، زیرا نظام حقوق بین‌الملل دارای تفاوت‌های ساختاری و ماهوی با نظام حقوق داخلی است (Graefrath, 1996: 372).

همچنین باید معاونت را از مفهوم «مسئولیت مشترک^۲» که در ماده ۴۷ طرح مسئولیت دولت ۲۰۰۱ مطرح شده است متمایز کرد، زیرا معاونت خود یک فعل متخلفانه بین‌المللی مستقل محسوب می‌شود (Crawford, 2013: 399).

1. Complicity

2. Shared Responsibility

۲. سابقه معاونت در فعالیت کمیسیون حقوق بین‌الملل

به قول کرافورد ماده ۱۶ تولد سختی داشته است (Crawford, 2013: 399). در طول مدت ۲۵ سال قاعده معاونت بارها به کمیسیون عرضه شد. قبل از نسخه نهایی طرح مسئولیت بین‌المللی دولت در سال ۲۰۰۱، در ماده ۲۷ طرح ۱۹۹۶ جای گرفت. در فصل چهارم از بخش اول طرح ۱۹۹۶ با عنوان «مداخله یک دولت در فعل متخلفانه بین‌المللی دولت دیگر»، دو ماده گنجانده شده بود: ماده ۲۷ با عنوان «کمک و مساعدت یک دولت به ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی توسط دولت دیگر» و ماده ۲۸ با عنوان «مسئولیت یک دولت برای فعل متخلفانه بین‌المللی دولت دیگر».

از مطالعه محتوای دو ماده روشن می‌شود که بر اساس ماده ۲۷ معاونت خود یک فعل متخلفانه بین‌المللی محسوب می‌شود و منجر به مسئولیت بین‌المللی دولت کمک‌کننده خواهد شد، حتی اگر کمک و مساعدت به تنهایی نقض یک تعهد بین‌المللی نباشد؛ اما ماده ۲۸ مسئولیت ناشی از فعل غیر را بیان می‌کرد، یعنی همان چیزی که آگو از آن تحت عنوان «انتساب مسئولیت» یا «مسئولیت غیر مستقیم» یاد می‌کرد. وی معتقد بود که مسئولیت بین‌المللی برای اعمال متخلفانه بین‌المللی ارتکاب یافته توسط دولت دیگر می‌تواند به یک دولت قابل انتساب باشد، اگر دولت اخیر دولت سابق را هدایت یا کنترل یا مجبور کرده باشد (Ago, 1979: para 2-3). برخی مؤلفان مبنای این تفسیر را تئوری کنترل دانسته‌اند. آگو تفسیر خود را فقط بر کنترل به معنای دقیق کلمه قرار نداد، بلکه بر تأثیر کنترل بر آزادی دولت استوار کرد (Nedeski & Nollkaemper, 2012: 5). از نظر آگو، در صورتی که دولتی تابع کنترل دولت دیگر باشد و آزادی تصمیم‌گیری‌اش بدین وسیله به سود دولت دیگر محدود شود، این دولت دیگر است که مسئول خواهد بود (Ago, 1979: paras 17-45).

لازم است تأکید شود مسئولیت دولتی که آزادی تصمیم‌گیری دولت دیگر را محدود می‌کند، همان‌گونه که به وسیله آگو به روشنی بیان شده آشکارا از وضعیت‌هایی که در آن یک دولت مسئول اعمال متخلفانه خودش است متمایز شده بود. عمل کنترل کردن، هدایت کردن یا اجبار کردن ضرورتاً خود به تنهایی متخلفانه تلقی نمی‌شد.

از جمله مصادیق دولت‌های تحت کنترل یا اجبار را می‌توان دولت‌های تحت‌الحمایه در گذشته و یا دولت‌های تحت اشغال نظامی و نیز دولت مورد تهدید نظامی برشمرد. در نهایت، این وضعیت‌ها در مواد ۱۷ و ۱۸ از فصل چهارم از بخش اول طرح ۲۰۰۱ گنجانده شد که به همراه مسئله کمک و مساعدت (ماده ۱۶) ذیل عنوان «مسئولیت دولت در رابطه با فعل دولت دیگر» قرار دارند. این که عنوان فصل چهارم طرح ۲۰۰۱ «مسئولیت دولت در رابطه با فعل دولت دیگر» است و نه مسئولیت برای فعل دولت دیگر، به نظر می‌رسد به خاطر این است که در این فصل کمک و مساعدت نیز آورده شده است؛ شکلی از مسئولیت که نمی‌تواند به عنوان مسئولیت برای افعال دولت دیگر تفسیر شود.

در این مرحله از کار کمیسیون حقوق بین‌الملل مبنای مفهومی چنین دسته‌بندی چندان روشن نیست. به جای تمرکز بر رابطه میان مسئولیت و آزادی، دلیل اصلی کرافورد در قرار دادن این سه سناریو در فصل چهارم طرح ۲۰۰۱ آن بود که آن‌ها به نحو کافی تحت پوشش اصل عام مندرج در ماده ۱ قرار نمی‌گرفتند و مسئولیت برای فعل متخلفانه خویش را ایجاد نمی‌کرد.

بر اساس ماده ۱، مسئولیت دولت از رفتار متخلفانه دولت مرتکب تخلف ناشی می‌شود. این اصل زیربنای مواد مسئولیت را در کل تشکیل می‌دهد. آگو ماده‌ای گسترده‌تر را پیشنهاد می‌داد که مقرر می‌داشت «هر فعل متخلفانه بین‌المللی توسط یک دولت به مسئولیت بین‌المللی منجر می‌شود، بدون اینکه مشخص کند که این مسئولیت ضرورتاً به دولتی که مرتکب فعل متخلفانه شده تعلق می‌گیرد» (Ago, 1970: para 29-30). همان‌طور که گفته شد آگو به انتساب مسئولیت یا مسئولیت ناشی از فعل غیر معتقد بود. لذا ماده پیشنهادی وی مبنای بهتری برای این نوع مسئولیت ایجاد می‌کرد؛ اما کمیسیون بر این عقیده بود که مواردی که در آن مسئولیت به دولتی غیر از دولت مرتکب فعل متخلفانه منتسب می‌شود به قدری استثنایی هستند که بر اصل اساسی مندرج در ماده ۱ تأثیری ندارد (ILC Ybk, 1973: 176). اعتقاد بر این بود که نظر آگو نیروی اساسی اصل را زایل می‌کند و لذا «مسئولیت بین‌المللی دولت برای رفتار متخلفانه خویش» قاعده

اساسی و زیربنای مواد مسئولیت دولت شد.

لازم به ذکر است کمیسیون حقوق بین‌الملل در ماده ۱۴ طرح مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی نیز متناظر با ماده ۱۶ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها عمل کرده است؛ یعنی از نظر متن و محتوا هیچ تفاوتی جز جابجایی در واژه دولت و سازمان بین‌المللی میان آن‌ها وجود ندارد. به نظر می‌رسد این نوع انتقال مفاهیم از حوزه دولت‌ها به حوزه سازمان‌های بین‌المللی بدون تعیین حدود و شرایط دقیق آن می‌تواند مشکلاتی را برای این دسته از تابعان حقوق بین‌الملل فراهم آورد، به‌ویژه برای سازمان‌های بین‌المللی پولی و مالی (رضوی حاجی‌آقا و بابایی، ۱۳۹۶: ۱۶۰).

۳. ماده ۱۶، قاعده اولیه

تمایز میان قواعد اولیه و ثانویه اساس مواد مسئولیت دولت را تشکیل می‌دهد. آگو این چهارچوب مفهومی را در دومین گزارش خود در سال ۱۹۷۰ مطرح ساخت (Ago, 1970). قواعد اولیه آن دسته از قواعد حقوق بین‌الملل هستند که محدوده رفتار قابل قبول تابع حقوق بین‌الملل را مشخص می‌کنند (Jackson, 2015: 147). این قواعد موضوع مسئولیت دولت و مواد طرح ۲۰۰۱ نیستند. قواعد مسئولیت بین‌المللی به عنوان قواعد ثانویه موضوعات وسیعی مانند انتساب و نقض تعهد، آثار و نتایج نقض تعهد و نیز اجرای مسئولیت را تنظیم می‌کنند.

با این حال، این تمایز مورد انتقاد واقع شده است. از نظر برخی مبهم و غیر ضروری است و به درک نادرست از کارکرد نظام حقوق بین‌الملل منجر می‌شود (Tams, 2002: 759). البته، پرداختن به این انتقادات از ساختار مفهومی مواد، محور کار ما در ارزیابی ماده ۱۶ نیست. جایگاه ماده ۱۶ در ساختار مفروض مورد توجه قرار گرفته است.

علیرغم قرار گرفتن ماده ۱۶^۱ در طرح ۲۰۰۱، می‌توان آن را حاوی یک قاعده اولیه

۱. ماده ۱۶: دولتی که دولت دیگری را در ارتکاب یک فعل متخلفانه بین‌المللی کمک یا مساعدت کند، برای این اقدام مسئولیت بین‌المللی دارد، در صورتی که: الف. با آگاهی از شرایط و اوضاع و احوال فعل متخلفانه بین‌المللی اقدام کند؛ ب. اگر فعل توسط خود آن دولت صورت می‌گرفت یک فعل متخلفانه بین‌المللی محسوب می‌شد.

حقوق بین‌الملل دانست؛ قاعده‌ای که محدوده رفتار مورد قبول برای دولت‌ها را مشخص می‌سازد. در واقع، می‌توان آن را به عنوان یک قاعده اولیه‌ای تصور کرد که الزامات رفتار قابل قبول دولت را در رابطه با تمام دیگر قواعد اولیه مشخص می‌کند. کمیسیون حقوق بین‌الملل خود به قاعده اولیه بودن ماده ۱۶ اعتراف می‌کند. در تفسیر ذیل فصل چهارم مسئولیت دولت در رابطه با فعل دولت دیگر، کمیسیون بیان می‌دارد از ویژگی‌های این فصل آن است که بعضی رفتارها را به عنوان رفتارهای متخلفانه بین‌المللی می‌شناسد. این امر ممکن است مرز میان قواعد اولیه و ثانویه را مبهم سازد (ILC Ybk,2001:65). بر این اساس، ماده ۱۶ یک قاعده اولیه است.

بدون شک تدوین‌کنندگان طرح از این ناهماهنگی مطلع بودند و تلاش کرده‌اند در تفسیر ذیل این فصل این ناهماهنگی را به دو شیوه توضیح دهند: نخست اینکه تفسیر بیان می‌کند این بر هم خوردن مرز قواعد اولیه و ثانویه در طرح مسئولیت دولت قابل توجیه است، زیرا مسئولیت در این فصل چهارم اشتقاقی است. حتی کمیسیون یک گام فراتر برمی‌دارد و قواعد مندرج در فصل چهارم را به قواعدی در نظام‌های حقوق ملی تشبیه می‌کند که به تبانی، همدستی و تشویق نقض قرارداد می‌پردازند. چون قواعدی از این نوع ممکن است در بخش عمومی حقوق تعهدات مطرح شوند، درج مواد ۱۶، ۱۷، ۱۸ قابل دفاع است.

شیوه دوم که کمیسیون برای توجیه ناهماهنگی مواد فصل چهارم با دیگر مواد طرح به کار گرفته است، استدلالی است در جهت تسکین تا دفاع. بیش از یک بار کمیسیون در تفسیر خود بر ماهیت استثنایی مسئولیت مطرح در فصل چهارم تأکید می‌کند (بندهای ۵ و ۸) (ILC Ybk,2001:65-66). سپس در تعریف معیار قابل اعمال، قلمرو ماده ۱۶ را محدود می‌کند (بند ۳ تفسیر ماده ۱۶). لذا ماده ۱۶ قاعده‌ای را مطرح می‌کند که مسئولیت برای کمک و مساعدت - رفتار ماهوی - را مقرر می‌دارد و قلمرو این تعهد اولیه را به وسیله شروطی محدود می‌کند. تأکید بر این ماهیت محدود تأییدی بر نامتجانس بودن ماده است (Jackson,2015:150).

۴. ماده ۱۶، تدوین یا توسعه تدریجی

همان‌گونه که بیان شد سابقه ماده ۱۶ به طرح مسئولیت دولت ۱۹۹۶ بر می‌گردد. عبارت‌پردازی ماده ۲۷ آن طرح مورد چالش واقع شد و کشورهای زیادی مخالفت خود را ثبت کردند. از جمله آلمان و سوئیس استدلال می‌کردند که این قاعده هیچ مبنایی در حقوق موضوعه ندارد و اساس آن در حقوق و رویه مورد تردید است (ILC Ybk, 1998: 128). برخی دولت‌ها به‌ویژه آلمان و ایالات متحده این پرسش را مطرح می‌کردند که آیا حقوق بین‌الملل قادر است به مفهوم کمک و مساعدت ترتیب اثر دهد و مدعی بودند اگر چنین باشد در خصوص عبارت مندرج در ماده ۲۷ - به منظور ارتکاب rendered for commission - و برای عنصر ضروری قصد دقت بیشتری لازم است.

کشورهای دیگر با اصل قاعده معاونت موافق بودند مانند انگلستان، اما معتقد بودند که تمایز روشن‌تری میان مواردی که در آن معاونت خود به طور مستقل متخلفانه است و مواردی که این چنین نیست صورت گیرد. ژاپن خواستار تعریف روشن‌تر از قاعده در کل بود (ILC Ybk, 1999: 107).

در قرائت دوم^۱ توافق شد ماده حفظ شود، اما دقت بیشتری لازم است. جملاتی نزدیک به جملات ماده ۱۶ مندرج در طرح ۲۰۰۱ پیشنهاد شد و سرانجام به‌وسیله کمیسیون با اصلاحات اندکی تصویب شد (Crawford, 2013: 400).

کمیسیون حقوق بین‌الملل در تفسیر خود از این ماده تلاش کرده است دلایلی ارائه دهد که نشان دهد قاعده مندرج در ماده از موقعیت عرفی برخوردار است، از جمله اینکه به یک تعداد از قواعد اولیه خاص که دولت‌ها را از مشارکت در فعل متخلفانه دولت‌های دیگر منع می‌کند - مانند تجاوز، نقض‌های حقوق بشر، تخطی از تحریم‌های شورای امنیت - به عنوان دلیل بر وجود یک قاعده عام معاونت اشاره می‌کند. برخی این انتقاد را به کمیسیون وارد می‌کنند که چگونه قاعده عام در این قواعد اولیه یافت می‌شود. دلایل ارائه شده از سوی کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص موقعیت

عرفی ماده ۱۶ کاملاً قانع کننده نیست (Jackson, 2015: 153).

با این حال، قاعده معاونت مندرج در ماده ۱۶ به عنوان یک قاعده حقوق بین الملل عرفی تلقی شده است. در این خصوص، می توان به رأی دیوان بین المللی دادگستری در قضیه نسل کشی اشاره کرد. پرسش مطرح نزد دیوان این بود آیا اعمالی که در چهارچوب ماده ۳ (e) کنوانسیون منع نسل کشی به عنوان معاونت در نسل کشی توصیف می شود می تواند به ارگان های خوانده یا اشخاصی که تحت دستور یا کنترل مؤثرش عمل می کنند منتسب شود؟

دیوان قبل از پاسخ به این پرسش به یک نکته مقدماتی اشاره کرد. از نظر دیوان، مسئله معاونت از موضوع انتساب رفتار به دولت بر اساس دستور یا کنترل صورت گرفته توسط ارگان های دولت فدرال یوگسلاوی متمایز است. درست است که در برخی نظام های حقوق داخلی، دادن دستور یا اوامر به اشخاص برای ارتکاب یک عمل کیفری، معاونت در ارتکاب آن عمل تلقی می شود، اما در زمینه مسئولیت بین المللی در حوزه نسل کشی اگر اثبات شود که عمل نسل کشی به دستور یا تحت هدایت یا کنترل مؤثر یک دولت انجام شده است، نسل کشی به دولت منتسب خواهد شد و دولت در این حالت مستقیماً مسئول خواهد بود و مسئله معاونت مطرح نمی شود (ICJ Report, 2007: para. 419). از این نظر دیوان استنباط می شود که در مواردی که دولت ها از طریق افراد اعمالی را انجام می دهند، با در نظر گرفتن مواد طرح مسئولیت بین المللی دولت ۲۰۰۱ این اعمال عمل خود دولت است و جایی برای طرح معاونت وجود ندارد.

دیوان بیان می دارد، اگرچه معاونت به همین صورت مفهومی نیست که در ترمینولوژی فعلی حقوق مسئولیت بین المللی وجود داشته باشد، با آنچه در قواعد عرفی حقوق مسئولیت دولت تحت عنوان کمک و مساعدت یک دولت به دولت دیگر برای ارتکاب فعل متخلفانه مطرح است، مشابه است (ICJ Report, 2007: para. 419). در ادامه دیوان به ماده ۱۶ مواد کمیسیون حقوق بین الملل در مورد مسئولیت دولت اشاره می کند و معتقد است این ماده یک قاعده عرفی را منعکس می کند. به نظر دیوان اگرچه این

قاعده به روابط دو دولت مربوط می‌شود و مستقیماً به قضیه حاضر ارتباط ندارد، اما شایسته توجه است. دیوان دلیلی نمی‌بیند که میان معاونت در نسل‌کشی در چهارچوب ماده ۳(e) کنوانسیون منع نسل‌کشی و کمک و مساعدت یک دولت در ارتکاب یک فعل متخلفانه توسط دولت دیگر در معنای ماده ۱۶ تمایز ماهوی قائل شود (ICJ Report, 2007: para.420).

البته نظر دیوان در عرفی بودن قاعده معاونت قبلاً از سوی قاضی شوابل در نظر جداگانه‌اش در قضیه نیگاراگوئه مطرح شده بود (ICJ Report, 1986: 14, para 558). قاضی شوابل همچنین زمانی که ریاست کمیته طرح را بر عهده داشت ماده ۲۷ را در قرائت اول ارائه داد (ILC Ybk 1978:269).

۵. عناصر معاونت در چارچوب ماده ۱۶

ماده ۱۶ تحت عنوان کمک و مساعدت در ارتکاب یک فعل متخلفانه بین‌المللی بیان می‌دارد: «دولتی که دولت دیگری را در ارتکاب یک فعل متخلفانه بین‌المللی کمک یا مساعدت کند، برای این اقدام مسئولیت بین‌المللی دارد، در صورتی که:

الف. با آگاهی از شرایط و اوضاع و احوال فعل متخلفانه بین‌المللی اقدام کند و

ب. اگر فعل توسط خود آن دولت صورت می‌گرفت یک فعل متخلفانه بین‌المللی محسوب می‌شد».

در ادامه شرایط و عناصر مندرج در ماده ۱۶ را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

الف. عنصر عینی (نوع رفتار دولت کمک‌کننده): کمیسیون حقوق بین‌الملل محدوده کمک و مساعدت را مشخص نکرده است. در واقع مشخص نیست که چه چیزی کمک یا مساعدت محسوب می‌شود. به لحاظ تئوری قابل تصور است که هر عملی که ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی توسط دولت دیگر را تسهیل کند، کمک و مساعدت تلقی می‌شود. ترک فعل به طور خاص مورد چالش قرار دارد. از نظر کرافورد گزارشگر ویژه مسئولیت دولت، مشارکت باید در شکل فعل مثبت باشد، تحریک و

ترک فعل صرف برای تحقق مسئولیت کافی نیست (Crawford, 2013:405). دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در قضیه نسل‌کشی، امکان معاونت از طریق ترک فعل را نمی‌پذیرد (ICJ Report, 2007: para.432)؛ اما لائووی اظهار می‌دارد، دیدگاه پیش‌گفته با آنچه در ماده ۲ از طرح ۲۰۰۱ آمده است مغایرت دارد زیرا به لحاظ اصولی هیچ تفاوتی میان فعل و ترک فعل وجود ندارد و اساس تخلف بین‌المللی در حوزه مسئولیت بین‌المللی دولت در این مجموعه بر فعل و ترک فعل بنا شده است و فعل و ترک فعل هر یک به تنهایی می‌توانند بستر مسئولیت بین‌المللی دولت را فراهم آورند (Lanovoy, 2014:145).

از نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل قاعده مندرج در ماده ۱۶ اشکال مختلف کمک و مساعدت فیزیکی را شامل می‌شود. نمونه‌هایی از آن عبارت‌اند از تأمین مالی، ارائه تسهیلات ضروری، ارائه ابزار برای بستن آبراه بین‌المللی، تسهیل آدم‌ربایی افراد در سرزمین خارجی و مساعدت در تخریب اموال متعلق به اتباع دولت ثالث (ILCYbk, 2001:66). در پرتو این تفسیر لازم است مشخص شود که آیا ماده ۱۶ منوط به ارائه نوع خاصی از کمک است. استدلال شده که تمام انواع کمک و مساعدت در چهارچوب قاعده قرار می‌گیرد (Crawford, 2013:402). افزون بر این، کمیسیون اعلام نکرده که نوع خاصی از کمک و مساعدت به منظور تحقق این نوع مسئولیت ضرورت دارد. به نظر لاو و مساعدت‌های فنی یا مالی عدم انجام ضمانت اجراهای الزامی و حتی ارائه تضمین‌های سرمایه‌گذاری یا اعتباری که سرمایه‌گذاری شرکت‌هایشان را در کشور دیگر تسهیل کند، شامل ماده ۱۶ می‌شود (Lowe, 2002:5-6). به هر حال هیچ دلیل منطقی برای نوع کمک یا مساعدت خاصی برای اعمال ماده ۱۶ وجود ندارد.

از سویی به اعتقاد اوست کمک و مساعدت یک مفهوم هنجاری و مورد خاص است، به این معنی که محتوایش همیشه در یک وضعیت خاص مشخص می‌شود (Aust, 2011:230). گایا گزارشگر ویژه طرح مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی در گزارش هفتم خود بیان می‌دارد، یکی از مشکلات در تعریف دقیق کمک و مساعدت در ارتکاب یک فعل متخلفانه بین‌المللی آن است که ارزیابی اینکه آیا کمک و

مساعدت رخ داده است، به محتوای تعهد نقض شده و به اوضاع و احوال مربوطه بستگی دارد (Gaja, 2009: para 73).

ب. عنصر ارتباط (شرط تأثیر رفتار دولت کمک‌کننده): عنصر دوم معاونت به ارتباط میان کمک ارائه شده و فعل متخلفانه مربوط می‌شود. رفتار دولت معاون باید ارتکاب فعل متخلفانه را تسهیل کند. با توجه به طیف اعمالی که ممکن است عنصر رفتاری معاونت را تأمین کند، معیاری اصولی لازم است. معیار مورد نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل در این خصوص چیست؟

در ماده ۱۶ آستانه یا درجه تسهیل مشخص نشده است. تفسیر کمیسیون به اختصار بیان می‌دارد، نیازی نیست که کمک یا مساعدت در انجام فعل متخلفانه بین‌المللی اساسی^۱ باشد، بلکه کافی است در انجام آن نقش قابل توجه داشته باشد (ILC Ybk, 2001:66).

این استاندارد بیان می‌دارد که مساعدت به طور اساسی یا قابل ملاحظه ارتکاب فعل متخلفانه را تسهیل کند. تفسیر کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که کمک و مساعدت داده شده باید مهم باشد. لذا، مساعدت می‌شود که به طور غیرمستقیم یا دور به فعل متخلفانه مرتبط می‌شود کنار گذاشته می‌شود. تسهیل اساسی، استناداری است که ارتباط کافی میان فعل متخلفانه با رفتار دولت کمک‌کننده برقرار می‌سازد و در عین حال ارتباطات اتفاقی که از تعاملات دولت‌ها ناشی می‌شود را خارج می‌سازد (Aust, 2011:102). این معیار قابل قیاس با معیاری است که در حقوق بین‌الملل کیفری مطرح است، یعنی کمک معاون باید تأثیر اساسی در ارتکاب جرم داشته باشد (Sladojević, 2015: 670). به نظر می‌رسد آستانه پایین‌تر از یک ارتباط واقعی شفاف، با در نظر گرفتن همه جوانب، موجب نگرانی دولت‌ها در خصوص محتوای کمک یا مساعدت و ارتباط آن با فعل متخلفانه اصلی می‌شود؛ بنابراین آنچه برای تحقق مسئولیت ناشی از کمک یا مساعدت اهمیت دارد، نه «چگونگی» عمل انجام شده بلکه «درجه» دخالت آن در تحقق عمل متخلفانه بین‌المللی

است (Lanovoy, 2014: 144). اقدام انجام شده به قصد مساعدت، نباید حالت «مباشر بودن» در عمل متخلفانه را پیدا کند که نه تنها ورای کمک یا مساعدت قرار می‌گیرد، بلکه موجب مسئولیت مستقیم آن دولت می‌شود (Dominice, 2010: 285). یعنی بر اساس ماده ۴۷ برای فعل متخلفانه، با دولت مباشر اصلی مسئولیت مشترک خواهد داشت.

ج. عنصر ذهنی (شرط قصد و نیت): مسئله دیگری که در تحقق معاونت مهم

است این نکته است که دولت کمک‌کننده به چه قصد و نیتی کمک یا مساعدت خود را ارائه داده است. ممکن است دولت کمک‌کننده تصور می‌کرده کمک‌های او به طور قانونی مورد استفاده قرار می‌گیرد. به قول کمیسیون حقوق بین‌الملل، دولتی که کمک یا مساعدتی در اختیار دولت دیگر قرار می‌دهد، معمولاً از اینکه این کمک‌ها ممکن است برای ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرد، هیچ ریسکی را نمی‌پذیرد. از این رو، ماده ۱۶ لازم می‌داند که کمک یا مساعدت با آگاهی از شرایط و اوضاع و احوال فعل متخلفانه داده شود. در تفسیر این ماده، کمیسیون بیان می‌دارد که کمک و مساعدت باید به منظور تسهیل ارتکاب فعل متخلفانه داده شود (ILCYbk, 2001: 66). با وجود عدم ذکر قصد در عبارت ماده، برخی استدلال می‌کنند که شرط آگاهی مطرح شده در ماده ۱۶ جزئی از قصد متخلفانه محسوب می‌شود (Nolte & Aust, 2009: 14) (Jackson, 2015: 159). هیچ مسئولیتی ایجاد نمی‌شود مگر اینکه ارگان دولت مربوطه قصد داشته باشد با کمک و مساعدت ارتکاب فعل متخلفانه را تسهیل کند. آگو گزارشگر ویژه در هفتمین گزارش خود در مورد مسئولیت دولت بیان می‌دارد: ایده واقعی معاونت در فعل متخلفانه بین‌المللی دولت دیگر ضرورتاً مستلزم قصد همکاری در ارتکاب عملی از این نوع است و از این رو، آگاهی از قصد خاص دولت دریافت‌کننده لازم است (Ago, 1978: 58).

بنابراین به نظر می‌رسد کمیسیون حقوق بین‌الملل قصد دارد ماده ۱۶ به قدری به دقت تفسیر شود که از عنصر آگاهی، شرط قصد متخلفانه استنباط شود (Nolte & Aust, 2009: 14). همین‌طور دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نسل‌کشی با اعمال تغییرات لازم این رویکرد را می‌پذیرد. در بررسی اینکه آیا صربستان برای

معاونت در نسل‌کشی مسئول بوده است یا نه دیوان اشاره می‌کند: «هیچ تردیدی وجود ندارد رفتار ارگان یا شخصی که کمک یا مساعدت به مرتکب جرم نسل‌کشی ارائه می‌دهد نمی‌تواند به عنوان معاونت در جرم نسل‌کشی تلقی شود، مگر اینکه حداقل آن ارگان یا شخص آگاهانه عمل کرده باشد، یعنی به طور خاص از قصد خاص مرتکب اصلی آگاه بوده باشد» (ICJ Report, 2007: para.420-424). عبارت *حداقل*، بیان می‌دارد که به عنوان یک قاعده کلی چیزی بیش از آگاهی صرف نیاز است.

همچنین رویه دولت‌ها از انتساب مسئولیت به دولتی حمایت می‌کند که به طور عمد در فعل متخلفانه دولت دیگر از طریق ارائه کمک و مساعدت شرکت کند. نکته جالب اینکه بحث عنصر قصد در ماده ۱۶ با بحث قصد کمک و تحریک در حقوق کیفری منطبق است. شرط جهت خاص که در خصوص معاونت افراد مطرح است، به نظر می‌رسد در مورد معاونت دولت نیز قابل اعمال است. لذا معرفی آستانه‌ای پایین‌تر از مسئولیت کیفری فرد می‌تواند به تنش در هر دو نظام منجر شود. چنانچه معیار معاونت در حقوق کیفری به نحو قابل توجه پایین‌تر از حقوق مسئولیت دولت باشد، این امکان وجود دارد که فرد برای رفتاری که دولت مجوز آن را داده است مسئولیت کیفری پیدا کند (Silladojević, 2015: 672).

کرافورد معتقد است بهتر بود ضرورت قصد در متن خود ماده درج می‌شد تا آن‌که در شرح و تفسیر آن قرار گیرد. همچنین در پاسخ به منتقدین عنصر قصد بیان می‌دارد این محدودیت بنا به دلیلی قرار داده شد. اگر بپذیریم که هدف از ماده ۱۶ توسعه تدریجی حقوق است، پس باید به روشی انجام شود که برای دولت‌ها قابل قبول باشد. منطقی نیست که یک اصل نسبتاً جدید که برای حاکمیت دولت زیان‌آور است در شکلی گسترده مطرح شود (Crawford, 2013: 408).

د. شرط تعهد بین‌المللی مشترک (و تأثیر آن بر قاعده عام معاونت): بر اساس شرط تعهد بین‌المللی مشترک، دولت کمک‌کننده یا مساعدت‌کننده نیز باید همچون دولت مباشر نسبت به تعهد بین‌المللی نقض شده التزام داشته باشد. این شرط از اهمیت اساسی در خصوص معاونت برخوردار است و در قرائت دوم طرح مسئولیت بین‌المللی

دولت مطرح شد. در قرائت اول، ماده ۲۷ طرح ۱۹۹۶ مقرر می‌داشت که معاونت به مسئولیت منجر خواهد شد، حتی اگر به تنهایی چنین کمک یا مساعدتی نقض یک تعهد بین‌المللی نباشد. کرافورد بیان می‌دارد این عبارت می‌توانست ابزاری شود که از طریق آن آثار تعهدات دوجانبه گسترش جهانی یابد. به علاوه، این ماده خطر انحراف کمیسیون از مأموریت تدوین مسئولیت دولت و ایجاد یک قاعده اولیه جدید را در پی داشت (Crawford, 2013: 409).

این شرط در مواردی که تعهد نقض شده، تعهدی ناشی از یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی باشد مشکلی ایجاد نمی‌کند و مانع از ایجاد یک قاعده عام معاونت نمی‌شود. لیکن در مورد حقوق معاهدات این شرط می‌تواند قلمرو قاعده را محدود سازد. بر این اساس، یک دولت ثالث می‌تواند نقض یک معاهده دوجانبه یا چندجانبه که خود طرف آن نیست را تسهیل کند، بدون اینکه در برابر دولت زیان‌دیده مسئولیت داشته باشد. کمیسیون حقوق بین‌الملل یک دلیل منطقی و یک دلیل حقوقی برای عدم معاونت در چنین مواردی بیان می‌کند: دلیل منطقی آن است که یک دولت نمی‌تواند آنچه را خود نمی‌تواند انجام دهد توسط دیگری انجام دهد. همچنین بر اساس نظر کمیسیون درج شرط تعهد مشترک، بر قاعده نسبی بودن آثار معاهده مندرج در مواد ۳۴ و ۳۵ کنوانسیون حقوق معاهدات مبتنی است (ILC Ybk, 2001:65).

با وجود پذیرش این شرط در ماده ۱۶، برخی این شرط ماده ۱۶ را محدودیتی می‌دانند که به دولت معاون اجازه می‌دهد که از زیر بار مسئولیت فرار کند. ایرادی که بر استدلال کمیسیون مبنی بر رعایت قاعده نسبی بودن آثار معاهده وارد می‌شود این است که فرض می‌کند تعهد دولت معاون در خصوص عدم کمک از معاهده دوجانبه یا چندجانبه‌ای ناشی می‌شود که دولت کمک‌کننده طرف آن است. این فرض اشتباه است. معمولاً معاهدات به مسئله معاونت در نقض تعهداتشان نمی‌پردازند. در واقع، این منع از قاعده عام معاونت ناشی می‌شود؛ به عبارت دیگر معاهده رفتار مناسب دولت مباشر را در برابر دولت‌های دولت زیان‌دیده و قاعده عام معاونت هم رفتار مناسب دولت کمک‌کننده در برابر دولت زیان‌دیده را مشخص می‌سازد (Jackson, 2015:164). مسئولیت

دولت کمک‌کننده از نقض قاعده معاونت ناشی می‌شود نه از نقض معاهده دوجانبه یا چندجانبه.

استدلال‌های دیگری نیز در جهت حمایت از قاعده عام معاونت بدون شرط غیر ضروری تعهد مشترک مطرح شده است. از جمله می‌توان به اصول نظام حقوق بین‌الملل همچون استقلال و برابری دولت‌ها اشاره کرد. این اصول می‌توانند زیربنای قاعده عام معاونت را تشکیل دهند. در واقع اگرچه روابط معاهده‌ای میان طرف‌های آن برقرار می‌شود و طرفین بر اساس اصل وفای به عهد بدان ملزم می‌شوند و طرف‌های ثالث التزامی به تعهدات معاهده ندارند، اما ارزش و اعتبار خود معاهده شایسته حمایت است؛ به عبارت دیگر، تکلیف به احترام به معاهدات مشروع بین‌المللی نه از معاهدات مربوطه بلکه نتیجه مستقیم اصل عدم مداخله و اصل همزیستی مسالمت‌آمیز دولت‌ها است (فلسفی، ۱۳۷۹: ۴۳۱). این حمایت می‌تواند به وسیله قاعده معاونت فراهم شود. در غیر این صورت، دولت کمک‌کننده با رفتارش به دولت ثالث یا اشخاص مورد حمایت معاهده حقوق بشری خسارت وارد خواهد کرد (Aust, 2011: 264-5).

لذا قاعده عام معاونت بدون شرط تعهد مشترک به نحوه مطلوب‌تری می‌تواند نیازهای نظام حقوق بین‌الملل را تأمین کند. چنین قاعده‌ای منافع جامعه بین‌المللی را در جهت ثبات روابط بین‌المللی و تمامیت تعهدات معاهده‌ای مورد حمایت قرار خواهد داد و از اعتبار تعهدات بین‌المللی حمایت خواهد کرد (Jackson, 2015: 167).

البته کرافورد در پاسخ به انتقادهای در خصوص درج شرط تعهد مشترک بیان می‌دارد، چنین انتقادهایی در خصوص آثار بند (ب) ماده ۱۶ مبالغه‌آمیز است و قلمرو ماده ۱۶، قواعد آمره، تعهدات عام‌الشمول و کل حقوق بین‌الملل عرفی را در بر می‌گیرد؛ اما در مورد توافقی‌های چندجانبه، قاعده نسبی بودن آثار معاهده، وجود شرط تعهد مشترک را توجیه می‌کند. ایشان معتقدند بند (ب) ماده ۱۶ صرفاً مقرر می‌دارد اگر رفتار مورد نظر توسط کمک‌کننده ارتکاب می‌یافت، متخلفانه می‌بود و هیچ چیزی در مورد وحدت قواعد و منابع نمی‌گوید (Crawford, 2013: 410)؛ به عبارت دیگر، ممکن است قواعدی معاهده‌ای تبدیل به قواعد عرفی شود و یا برعکس قواعد عرفی در

چهارچوب معاهده قرار گیرد.

۶. نتایج مسئولیت ناشی از معاونت

در سیاق خاص معاونت سؤال این است که آیا نتایج حقوقی مسئولیت بین‌المللی را می‌توان متوجه دولت معاون کرد؟ بدون فرض معاونت به عنوان یک فعل متخلفانه قابل تفکیک از فعل متخلفانه اصلی نمی‌توان پذیرفت که نتایج حقوقی متوجه دولت معاون خواهد شد (Lanovoy, 2016: 263). در واقع دولت معاون مستقیماً وارد یک رابطه حقوقی میان دولت مباشر اصلی و دولت زیان‌دیده می‌شود؛ به عبارت دیگر آن رابطه میان رفتار دولت معاون و فعل متخلفانه اصلی است که رفتار قانونی را به رفتار متخلفانه تغییر شکل می‌دهد (Aust, 2011: 273).

این اصل در همه نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است که هرچند معاونت شیوه‌ای خاص از مشارکت در فعل متخلفانه مباشر است، لیکن تخلف مباشر و عامل اصلی نباید به معاون منتسب شود. همان‌گونه که در قسمت سابقه اشاره شد، در طرح ۱۹۹۶ نیز مسئولیت ناشی از فعل غیر (هدایت و کنترل و اجبار) از معاونت (ماده ۲۷) تفکیک شده و در ماده ۲۸ بدان پرداخته شده بود. کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح ۲۰۰۱ در تفسیر ماده ۱۶ بیان می‌دارد که وضعیت معاونت از وضعیت شرکا در ارتکاب فعل متخلفانه متمایز است. مطابق نظر کمیسیون، دولت کمک‌کننده در کمک عامدانه خود به دولت دیگر در نقض یک تعهد بین‌المللی که هر دو بدان التزام دارند، مسئول عمل خودش است، او مسئول عمل دولت کمک‌شونده نیست (ILC Ybk, 2001: 66). لذا انتساب مسئولیت در زمینه معاونت مطرح نمی‌شود.

با وجود این، هنوز ابهاماتی پیرامون نتایج این نوع مسئولیت مطرح می‌شود. ابهام نیز در خصوص جبران زیان وارده به دولت یا فرد زیان‌دیده و محاسبه شکل و میزان خسارت است. در این زمینه، قیاس با معیارهای حقوق داخلی چندان سودمند نیست و خود کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز از این قیاس خودداری کرده است؛ بنابراین باید مسئله را در چارچوب مواد ۳۱ تا ۳۷ طرح ۲۰۰۱ حل کرد.

ماده ۳۱ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت بیان می‌دارد:

۱. دولت مسئول متعهد است که زیان ناشی از فعل متخلفانه بین‌المللی را به طور کامل جبران کند.

۲. زیان عبارت است از هرگونه خسارتی اعم از مادی یا معنوی که از فعل متخلفانه بین‌المللی دولت ناشی شده باشد».

با توجه به رأی دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در قضیه کارخانه کورزوف (Factory at Chorzow, Merits, 1928, PCIJ, Series A, No 17: 47)، جبران کامل خسارت، یعنی اینکه تمام آثار و نتایج فعل متخلفانه از طریق اشکال جبران خسارت محو شود. بند ۲ ماده ۳۱ به رابطه سببیت بین فعل متخلفانه و خسارت وارد می‌پردازد. موضوع جبران به طور کلی زبانی است که از فعل متخلفانه ناشی می‌شود و نه تمام آثار حاصل از فعل متخلفانه بین‌المللی (ILC Ybk, 2001: 92). از ماده ۳۱ و تفسیر آن روشن می‌شود در حالی که زیان عنصر تشکیل‌دهنده مسئولیت بین‌المللی نیست، برای تعیین محتوای مسئولیت بین‌المللی و اجرای آن یک عنصر ضروری محسوب می‌شود. همچنین تعیین شکل و حدود جبران خسارت به پیوند سببی شفاف و غیر قابل خدشه میان فعل متخلفانه و زیان وارده بستگی دارد.

بنابراین با توجه به رابطه سببیت در ماده ۳۱ چگونه می‌توان سهم دولت معاون را در جبران خسارت تعیین کرد؟

کمیسیون حقوق بین‌الملل در ارائه راهنمایی در این خصوص تا حدودی موضوع را پیچیده می‌کند و دچار تناقض‌گویی می‌شود. تفسیر ماده ۱۶ تأکید می‌کند که دولت کمک‌کننده مسئول فعل خود است. در چنین حالتی دولت کمک‌کننده تنها تا حدی که رفتار او سبب^۱ فعل متخلفانه اصلی شده یا در وقوع آن سهم^۲ بوده، مسئول است. از این رو، در مواردی که فعل متخلفانه بین‌المللی به هر حال رخ می‌داد، مسئولیت دولت کمک‌کننده شامل جبران خسارت خود فعل متخلفانه اصلی نمی‌شود

1. Cause
2. Contribute

(ILCYbk, 2001:66,para.1). هرچند در ادامه بیان می‌دارد، در مواردی که کمک، عنصر ضروری^۱ فعل متخلفانه دولت مباشر باشد و بدون آن فعل متخلفانه رخ نمی‌داده است، زیان می‌تواند هم‌زمان به دولت کمک‌کننده و دولت مباشر منتسب شود (ILC Ybk, 2001:67,para.10). در حالت اخیر (که کمک عنصر ضروری است) به نظر می‌رسد کمیسیون حقوق بین‌الملل ماده ۴۷ طرح ۲۰۰۱ را قابل اعمال می‌داند؛ یعنی زیان دیده به هرکدام از دولت مباشر یا معاون جهت جبران خسارت می‌تواند مراجعه کرده و کل غرامت را طلب کند؛ یعنی در این حالت مسئولیت تضامنی را مدنظر قرار می‌دهد.

در خصوص معاونت در دکترین این اتفاق نظر وجود دارد که معاون مسئول فعل متخلفانه خود است نه عمل خلاف مباشر، یعنی افتراق در انتساب مسئولیت مورد پذیرش است. افتراق در انتساب مسئولیت، افتراق در نتایج مسئولیت را هم به دنبال دارد. لذا تمایز میان مسئولیت اصیل و معاون برای حساب‌رسی درست فعل متخلفانه ضروری است (Jackson, 2015:170). این رویکرد، به عنوان یک اصل کلی، اعمال مسئولیت تضامنی را در خصوص معاونت رد می‌کند، زیرا پذیرش مسئولیت تضامنی با افتراق در انتساب مسئولیت و نتایج مسئولیت قابل جمع نیست.

اما مسئله اینجاست که کمیسیون حقوق بین‌الملل فقط به این بیان که دولت کمک‌کننده معمولاً مسئول تمام نتایج عمل متخلفانه دولت مباشر نیست، بسنده کرده است و هیچ خط‌مشی برای تعیین نتایج مسئولیت دولت معاون ارائه نمی‌دهد. از تناقض‌گویی کمیسیون در خصوص توزیع مسئولیت و تخصیص نتایج حقوقی میان معاون و متخلف اصلی روشن می‌شود که در حقوق موضوعه این مسئله هنوز حل نشده است. برخی معتقدند هیچ فرمول دقیقی به نظر نمی‌رسد بتوان ارائه کرد (Aust, 2011: 276).

به نظر می‌رسد دو رابطه سببی در خصوص وضعیت معاونت باید در نظر گرفته شود. نخست، رابطه سببی میان رفتار معاون و فعل متخلفانه بین‌المللی و دوم، رابطه

1. Necessary

سببی میان رفتار معاون و زیان ناشی از فعل متخلفانه مباشر. در واقع، طرف زیان‌دیده باید ثابت کند که رفتار معاون نه فقط با فعل متخلفانه بلکه با زیان وارده ارتباط دارد. در رابطه با جنبه نخست، قبلاً در بحث شرایط اعمال ماده ۱۶ تحت عنوان عنصر ارتباط صحبت کردیم. تفسیر ماده ۱۶ بیان می‌دارد که کمک و مساعدت باید به طور اساسی یا قابل ملاحظه ارتکاب را تسهیل کند. در عین حال، کمیسیون بیان می‌دارد که کمک یا مساعدت لازم نیست برای ارتکاب فعل متخلفانه ضروری باشد. با این وجود به نظر می‌رسد در مقام تعیین مسئول جبران خسارت، کمیسیون از این رویکرد خود عدول کرده است، زیرا در تفسیر ماده ۱۶ بیان می‌دارد حتی در صورتی که کمک یا مساعدت فقط یک عامل فرعی در ارتکاب فعل اولیه است و ممکن است در زیان وارده سهم کمی داشته باشد، مسئولیت دولت معاون می‌تواند مطرح شود. در این حالت دولت کمک‌کننده تنها مسئول آن دست‌نایجی است که از رفتار خود او ناشی می‌شود (ILC Ybk, 2001:67, para.10). این تفسیر کمیسیون ما را به جنبه دوم رابطه سببی هدایت می‌کند، یعنی رابطه سببیت میان رفتار معاون و زیان ناشی از فعل متخلفانه مباشر. آیا معیارهای سببی موجود برای پاسخ دادن به وضعیت‌های معاونت کافی هستند؟

در مواردی که عوامل مختلف با درجات متفاوت در نقض یک تعهد بین‌المللی یا زیان وارده دخالت دارند، اثبات زنجیره سببی در خصوص زیان اساساً مشکل می‌شود. گفته می‌شود در این حالت معیار واحدی در مورد رابطه سببیت در حقوق بین‌الملل وجود ندارد؛ به عبارت دیگر، در مواردی که افعال متخلفانه متعدد به زیان واحدی منجر می‌شود یا مشارکت‌کنندگان در یک فعل متخلفانه واحد متعدد هستند و یک زیان واحد وجود دارد، حقوق بین‌الملل چارچوبی برای سببیت ارائه نداده است (Lanovoy, 2016:272). حتی تفسیر کمیسیون ذیل ماده ۳۱ نشان می‌دهد که رابطه سببی به طور کلی مورد اشاره قرار گرفته است. لذا/سترن می‌گوید: «مواد طرح در خصوص رابطه سببیت ساکت است. کمیسیون فقط می‌گوید زیانی می‌تواند جبران شود که از فعل متخلفانه بین‌المللی ناشی شده باشد. بنابراین، بر عهده دولت‌ها و قضات است که به رابطه سببی که برای تحقق مسئولیت بین‌المللی ضروری است محتوای بیشتری

بدهند» (Stern, 2010: 569).

کمیسیون حقوق بین‌الملل در شرح بند ۲ ماده ۳۱ بیان می‌کند که انتساب زیان یا خسارت به فعل متخلفانه فرایندی حقوقی و واقعی است. تعیین سبب واقعی ضروری است، اما شرط کافی برای جبران خسارت نیست. کمیسیون ملاحظه می‌کند که استانداردهای حقوقی مختلفی برای سببیت را می‌توان در رویه قضایی پیدا کرد از جمله «دور بودن»، «مستقیم بودن»، «قابل پیش‌بینی بودن» و «نزدیک بودن». در نهایت، کمیسیون اشاره می‌کند که ارتباط باید کافی باشد؛ به این مفهوم که خیلی از زیان دور نباشد (ILCYbk, 2001: 92-93). به طور کلی، شرط «سبب کافی» به این معنا است که زیان باید از فعل متخلفانه در یک توالی طبیعی ناشی شود. در حالی که «سبب نزدیک» مستلزم یک زنجیره بدون وقفه یا مستقیم میان رفتار و زیان است (Lanovoy, 2016: 275). با وجود اینکه سببیت در تعیین محتوای مسئولیت نقش مرکزی ایفا می‌کند، اما کمیسیون این مفهوم را مبهم باقی می‌گذارد. کرافورد در دفاع از این سکوت کمیسیون استدلال می‌کند که شرط سببیت در طرح مسئولیت بین‌المللی دولت نمی‌تواند دقیق‌تر توضیح داده شود. امکان نداشت معیار خاصی را که در گستره وسیعی از تعهدات اولیه قابل اجرا باشد مشخص کنیم (Crawford, 2013: 493).

غالباً دادگاه‌ها و محاکم داوری و قضائی بین‌المللی (Arangio-Ruiz, 1989: 27-39) هنگام ارزیابی رابطه سببیت، جنبه‌های واقعی و حقوقی را مورد توجه قرار می‌دهند. از لحاظ جنبه واقعی، دادگاه‌ها و محاکم وجود رابطه سببی مستقیم یا نزدیک^۱ میان نقض تعهد و زیان وارده را لازم می‌دانند. این معیار همچنین تحت عناوینی همچون معیار عینی سببیت یا سبب واقعی شناخته شده است. لذا زیان‌هایی که در رابطه مستقیم با فعل متخلفانه هستند، جبران خواهند شد. مشکل اعمال این معیار در مورد وضعیت معاونت آن است که رفتار معاون هرگز سبب مستقیم یا نزدیک زیان وارده نیست. همیشه این فعل متخلفانه مباشر است که سبب مستقیم و نزدیک زیان را تشکیل می‌دهد.

با توجه به مشکل ارزیابی رابطه سببیت مستقیم، برخی محاکم معیار قابل پیش‌بینی بودن را اعمال کرده‌اند. معیار قابل پیش‌بینی بودن، یعنی توجه به جنبه حقوقی. براساس این معیار، زیان نتیجه منطقی عمل است تا جایی که قابل پیش‌بینی باشد (Stern, 2010: 569). برای مثال در قضیه ناولیلا (Naulilaa Case, 1928, R.I.A.A. vol.II:1031) محکمه داوری به این معیار متوسل شد و آلمان را برای تمام زیان‌هایی که قابل پیش‌بینی بود مسئول دانست، با وجود اینکه رابطه میان عمل غیرقانونی و خسارات واقعی یک پیوند مستقیم نبود. بر اساس این معیار، اگر معاون در هنگام تصمیم‌گیری برای اعطای کمک و مساعدت به طور معقول زیان ناشی از فعل متخلفانه مباشر را پیش‌بینی کرده است، بابت زیان وارده مسئول خواهد بود. سؤالی که در پی استفاده از این معیار پیش می‌آید آن است که سهم معاون از جبران خسارت چه مقدار است؟ آیا در این صورت سهم مباشر از جبران خسارت کاهش می‌یابد؟

تفسیر کمیسیون حقوق بین‌الملل بیان می‌دارد که رویه بین‌المللی و تصمیمات قضایی از کاهش یا تخفیف جبران خسارت به دلیل اسباب هم‌زمان حمایت نمی‌کند (ILC Ybk, 2001: 93, para.12). این بدین معنا است که معاونت، حتی اگر در بهترین حالت سبب هم‌زمان یا موازی تفسیر شود، هیچ مشارکتی در جبران خسارت مقتضی که مباشر نسبت به طرف‌های زیان‌دیده باید انجام دهد، ندارد (Lanovoy, 2014: 165). کاهش جبران خسارت و سهیم شدن معاون در آن، زمانی مناسب است که عنصری قابل تشخیص از زیان به یکی از اسباب متعدد هم‌زمانی منتسب شود (ILC Ybk, 2001: 93, para.13). از این رو، مباشر باید ثابت کند که بخشی از زیان که از فعل متخلفانه وی ناشی شده است به واسطه مشارکت دولت کمک‌کننده یا مساعدت‌کننده بوده است. هرچند در وضعیتی که دو یا چند دولت کمک مشابهی و از یک نوع به دولت مباشر انجام داده باشند، تشخیص اینکه عنصر قابل تشخیص زیان به کدام کمک منتسب می‌شود سخت خواهد بود. در چنین حالتی جبران خسارت باید میان دولت‌های کمک‌کننده از یک‌سو و دولت مباشر از سوی دیگر تقسیم شود (Lanovoy, 2014: 165).

نتیجه اینکه اگر بر اساس حقایق بتوان ثابت کرد که رفتار دولت کمک‌کننده به طور مشخص در زیان وارده نقش داشته است، دولت کمک‌کننده مسئول خواهد بود. در غیر این صورت اعمال معیار سبب مستقیم یا نزدیک کارآمدی قاعده معاونت را تحلیل خواهد برد.

صرف نظر از نقش رفتار معاون در زیان وارده و محاسبه میزان جبران خسارت مادی، این رفتار همواره خسارت معنوی یا حقوقی را در پی دارد. در این صورت، جلب رضایت یا تضمین عدم تکرار می‌تواند شکل مناسبی از جبران خسارت در این موارد باشد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله به تجزیه و تحلیل قاعده معاونت مندرج در طرح مسئولیت بین‌المللی دولت ناشی از فعل متخلفانه بین‌المللی ۲۰۰۱ پرداختیم. منظور از معاونت در این بررسی، کمک و مساعدت یک دولت در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی از سوی دولت دیگر است. کمیسیون حقوق بین‌الملل از مسئولیت ناشی از معاونت در فصل چهارم بخش اول طرح مسئولیت بین‌المللی دولت ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی سال ۲۰۰۱، تحت عنوان مسئولیت اشتقاقی نام می‌برد.

موضوع مسئولیت اشتقاقی توسط آگو گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل مطرح و در دستور کار کمیسیون قرار گرفت. در نظام حقوق بین‌الملل کلاسیک، به دلیل ساختار دوجانبه‌گرایی و وجود تعهدات متقابل دولت‌ها، ردّ پایی از مسئولیت ناشی از معاونت در قواعد مسئولیت مشاهده نمی‌شود. در نظام سابق، مسئولیت بین‌المللی یک رابطه حقوقی دوجانبه تلقی می‌شد، لذا مشارکت دولت ثالث، یعنی معاونت دولت ثالث در نقض تعهدات تقبل شده از سوی یک دولت نسبت به دولت دیگر قابل تصور نبود. آگو نیز معتقد بود حقوق بین‌الملل کلاسیک حاوی چنین قاعده‌ای نیست.

کمیسیون حقوق بین‌الملل تلاش کرد قاعده معاونت را در نظام حقوق بین‌الملل

نویسنده جستجو کند. کمیسیون با تکیه بر برخی رویه‌ها ادعا می‌کند که حقوق بین‌الملل، دولتی را که عمداً به ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی توسط دولت دیگر کمک و مساعدت کند، مسئول می‌داند. لذا در طرح ۱۹۹۶ در ماده ۲۷ و در طرح ۲۰۰۱ در ماده ۱۶ قاعده عام معاونت را مطرح می‌کند. قاعده مطرح شده یک قاعده اولیه محسوب می‌شود که در میان قواعد ثانویه قرار گرفته است. بر اساس این ماده، هر نوع کمک و مساعدت از سوی یک دولت به ارتکاب هر نوع فعل متخلفانه بین‌المللی توسط دولت دیگر ممنوع است. لذا گفته شده است که در زمینه معاونت در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی، حقوق بین‌الملل از قواعد خاص به سمت قاعده عام در حال حرکت است.

همان‌گونه که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نسل‌کشی بیان می‌دارد و کمیسیون هم همین ادعا را مطرح می‌کند، قاعده مندرج در ماده ۱۶ یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی تلقی می‌شود. با توجه به گذار نظام حقوق بین‌الملل از دوجانبه‌گرایی، این نظام نمی‌تواند فاقد قاعده معاونت بوده و بی‌تفاوت از مسئولیت دولت‌های کمک‌کننده به ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی بگذرد.

علی‌رغم تلاش‌های کمیسیون، همان‌گونه که مشاهده شد، عناصر و شرایط تشکیل‌دهنده معاونت مندرج در ماده ۱۶ طرح ۲۰۰۱، برخی پرسش‌های تئوری و عملی را بی‌پاسخ می‌گذارد. اقدام ارزشمند کمیسیون در این زمینه، اقدامی ناقص تلقی می‌شود. برخی شرایط مندرج در ماده ۱۶ می‌تواند از ایجاد یک قاعده عام معاونت جلوگیری کند. برای مثال، شرط تعهد بین‌المللی مشترک میان دولت معاون و دولت مباشر محدودیتی را ایجاد می‌کند که به دولت معاون اجازه می‌دهد از زیر بار مسئولیت فرار کند. از سوی دیگر، قاعده عام معاونت بدون شرط تعهد بین‌المللی مشترک به نحو مطلوب‌تری می‌تواند نیازهای جامعه بین‌المللی را تأمین کند. چنین قاعده‌ای منافع جامعه بین‌المللی را در جهت ثبات روابط بین‌المللی و تمامیت تعهدات معاهده‌ای مورد حمایت قرار خواهد داد و از اعتبار تعهدات بین‌المللی حمایت خواهد کرد.

اگرچه قاعده معاونت مندرج در طرح‌های مسئولیت بین‌المللی، اجازه طرح مسئولیت بین‌المللی دولت معاون را در کنار دولت مباشر می‌دهد، اما بحث نتایج

مسئولیت ناشی از معاونت و توزیع مسئولیت میان معاون و مباشر نسبتاً مبهم باقی مانده است. وضعیت وقتی پیچیده‌تر می‌شود که عوامل متعددی در ارتکاب فعل متخلفانه واحدی مشارکت داشته باشند. لذا همان‌گونه که مشاهده شد، اعمال معیارهای سببی موجود در توزیع نتایج حقوقی در خصوص معاونت ممکن است به نتایج غیرمنصفانه منجر شود.

منابع

الف. فارسی

- فلسفی، هدایت الله (۱۳۷۹) *حقوق بین‌الملل معاهدات*، تهران: نشر نو.
- توکلی طبسی و دیگران (۱۳۹۲) «مسئولیت بین‌المللی دولت‌های ثالث ناشی از نقض حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه داخلی (با تحلیلی اجمالی از بحران سوریه)»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۴۹، صص ۹۶-۶۱.
- حدادی، مهدی و محمد ستایش‌پور (۱۳۹۶) «کنکاش در لزوم وجود نهاد "مسئولیت اشتقاقی" در آورده‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۷، شماره ۳، صص ۷۹۵-۷۷۱.
- حدادی، مهدی و محمد ستایش‌پور (۱۳۹۷) «تسهیم مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از عمل دولت دیگر یا سازمان بین‌المللی»، *فصلنامه دولت پژوهی*، دوره ۴، شماره ۱۴، صص ۱۸۲-۱۴۹.
- رضوی حاجی آقا، سید مهدی، مجتبی بابایی (۱۳۹۶) «انتقال مفاهیم مسئولیت دولت‌ها به حوزه سازمان‌های بین‌المللی و چالش‌های پیش رو»، *مجله مطالعات حقوقی*، دوره نهم، شماره چهارم، صص ۱۷۶-۱۴۱.

ب. انگلیسی

- Aust, Helmut Philipp (2011) **Complicity and the Law of State Responsibility**, Cambridge: Cambridge University Press.
- Ceron, John (2008) "Re-examining International Responsibility: Complicity in the Context of Human Rights Violations", **ILSA**

- Journal of International & Comparative law**, Vol 14 (2), pp. 525-534.
- Crawford, James (2013) **State Responsibility: General Part**, Cambridge: Cambridge University Press.
- Dominice, Christian (2010) "Attribution of Conduct to Multiple States and Implication of a State in the Act of Another State", in Crawford, James, Pellet Alain and Olleson, Simon, **The Law of International Responsibility**, Cambridge: Cambridge University Press.
- Graefrath, Bernhard (1996) "Complicity in the Law of International Responsibility", **Revue belge de droit international**, Vol. 29, pp. 425-438.
- Jackson, Miles (2015) **Complicity in International Law**, Oxford: Oxford University Press.
- Lanovoy, Vladyslav (2014) "Complicity in an Internationally Wrongful Act", in Nollkaemper, Andre and Plakokefalos, Ilias, **Principles of Shared Responsibility in International Law: An Appraisal of the State of the Art**, Cambridge: Cambridge University Press.
- Lanovoy, Vladyslav (2016) **Complicity and Its Limits in the Law of International Responsibility**, Hart Publishing, Oxford: Portland, Oregon.
- Lowe, Vaughan (2002) "Responsibility for the Conduct of Other States", **Japanese Journal of International Law**, pp 1-15.
- Nedeski, Natasa & Andre Nollkaemper (2012) **Responsibility of International Organizations in Connection with Acts of States**, (visited:2018/10/02), Available at: <https://ssrn.com/abstract=2071179>
- Nolte, Gerorg & Aust. Helmut (2009) "Equivocal Helpers—Complicit States, Mixed Messages and International Law", **International and Comparative Law Quarterly**, Vol. 58, pp. 1-30.
- Sladojevic, Tina. D (2015) "Military Aid as Complicity in International Crimes: Individual or State Responsibility", **Pravnik**, Vol. 70, No. 132, pp. 643- 738.
- Stern, Brigitte (2010) "The Obligation to Make Reparation", in Crawford, James, Pellet, Alain and Olleson, Simon. (eds) **The Law of International Responsibility**, Oxford: Oxford University Press.
- Tams, Christian (2002) "All's Well that Ends Well—Comments on the ILC's Articles on State Responsibility", **Heidelberg Heidelberg Journal of International Law**, Vol. 69, pp. 759- 808.

Documents

- Ago, Roberto (1979) **Eighth Report on State responsibility**, (A/CN.4/318 and Add.1 to 4).
- Ago, Roberto (1970) **Second Report on State Responsibility**, (A/CN.4/233).
- Arangio-Ruiz, G. (1989) **Second Report on State Responsibility**, ILC Ybk,II (1).
- Factory at Chorzow, Merits**, 1928, PCIJ, Series A, No 17, p 47
- Gaja, Giorgio (2009) **Seventh report on responsibility of international organizations**, (UN Doc. A/CN.4/610, §75).
- ICJ Report, 1966
- ICJ Report (2007) **Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide** (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro).
- ILC Ybk 1978/ I.
- ILC Ybk 1999/II(2).
- ILC Ybk 2001/II(2).
- ILC Ybk, 1998/II(1).
- International Law Commission (2001) **Draft Articles on International Responsibility of States (ARSIWA)**.
- International Law Commission (2011) **Draft Articles on Responsibility of International Organizations (ARIO)**.
- Report of the International Law Commission on the work of its twenty-fifth session**, 1973 (A/9010/Rev.1).